

سنجش عوامل واگرایی ژئوپلیتیکی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و راهبردهای مقابله با آن

عباس علی پور ^۱	تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۱۲
علی بختیارپور ^۲	تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۱۹
برات فرجی ^۳	صفحات مقاله: ۵۵ - ۸۴

چکیده:

هدف این مقاله سنجش عوامل واگرایی در روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است. روش‌شناسی تحقیق بر پایه‌ی نظریه‌ی انسجام سیستمی است. روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر میدانی (پیمایشی) است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پرسشنامه و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفته است.

در مجموع، پانزده عامل در جهت ایجاد واگرایی بین ایران و این کشورها مورد سنجش قرار گرفت که در بین عوامل مذکور به ترتیب می‌توان به اختلافات مذهبی و عقیدتی، برداشت متفاوت از امنیت، ایران‌هراسی، ناسیونالیسم، اختلافات ارضی و افزایش قدرت ایران در بستن تنگه‌ی هرمز اشاره کرد. به لحاظ تأثیرگذاری این عوامل بر حسب مؤلفه‌های چهارگانه، به ترتیب مؤلفه‌های نظامی امنیتی، اجتماعی فرهنگی، سیاسی دیپلماتیک و مؤلفه‌های اقتصادی مطرح می‌باشند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها با ماهیت و کارکردهای متفاوت در ایجاد واگرایی بین ایران و این کشورها نقش آفرینی می‌کنند. بخشی از عوامل واگرا مختص به خود منطقه و دارای ماهیتی درون‌زا و بخشی دیگر در نتیجه‌ی نقش آفرینی ژئوپلیتیکی سیستم مداخله‌گر در منطقه به وجود آمده است.

* * * * *

۱- دکتری جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
۳- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

واژگان کلیدی

ایران، شورای همکاری خلیج فارس، واگرایی ژئوپلیتیکی، اختلافات مذهبی و عقیدتی، ایران‌هراسی، امنیت.

مقدمه

منطقه‌ی خلیج فارس را که از هشت واحد سیاسی ایران، عراق، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، کویت، بحرین و عمان تشکیل شده است، می‌توان بر اساس خصیلت‌های مشترک و متمایز که الگوی کنش متقابل منطقه‌ای را شکل می‌دهد یک واحد و منطقه ژئوپلیتیکی بارز در جهان دانست (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۲۱) و (ابراهیمی فر، ۱۳۷۷: ۳۲). ویژگی‌های مشترک واحدهای این منطقه نشان می‌دهند که نمی‌توان آن‌را به‌عنوان یک کل غیرقابل تجزیه به حساب آورد (تاجیک، ۱۳۷۵: ۱۶۵).

وجود مجموعه‌ای از متغیرها باعث شکل‌گیری رفتار خارجی یک کشور می‌شود. با شکل‌گیری رفتار خارجی نشانه‌های تعارض و همکاری را می‌توان مشاهده کرد. علاوه بر آن، سایر کشورها نیز در برابر رفتار آن واحد واکنش خواهند داد که این خود می‌تواند متغیری در پدید آوردن تعارضات منطقه‌ای و بین‌المللی قلمداد شود (قاسمی، ۱۳۸۲: ۷۵). اگر بتوان سیستم خلیج فارس را بر اساس الگوهای موجود به سه قطب قدرت تفکیک نمود، این سه قطب عبارتند از: ایران، عراق، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس. نوع تعاملات و کنش متقابل در این سیستم نشان از وجود نوعی واگرایی بین کشورهای مذکور دارد که منجر به بروز برخوردها و تعارضات شده و زمینه را برای ناکارآمدی و بروز زمینه برای حضور قدرت‌های مداخله‌گر فراهم آورده است (عبداله جوهر، ۱۳۷۸: ۸۱).

آنچه که در عرصه‌ی سیاست خاورمیانه قابل مشاهده می‌باشد این است که نیم قرن بحران‌های انباشته شده در این منطقه باعث شده است که نگاه از درون اولویت بیشتری پیدا کند (سریع القلم، ۱۳۷۳: ۲۸۱). این پژوهش با رویکردی جدید در صدد شناخت عوامل تأثیرگذار بر واگرایی و برآورد میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل مذکور بوده است. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است که: در سنجش عوامل واگرایی بین ایران و کشورهای عضو

شورای همکاری خلیج فارس چه عواملی نقش‌آفرینی کرده و وزن هر یک از این عوامل و مؤلفه‌ها چگونه است؟ مفروض اصلی در این پژوهش این است که عوامل واگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس چند بُعدی بوده، به طوری که تلفیقی از عوامل و مؤلفه‌های نظامی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی منجر به واگرایی طرفین شده است.

روش تحقیق

این مقاله به لحاظ روش تحقیق جزء تحقیقات میدانی است. در این روش ابتدا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به شناسایی کلیه عوامل تأثیرگذار بر واگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اقدام گردید. پس از شناسایی این عوامل در مجموع حدود ۴۰ عامل تأثیرگذار مورد شناسایی اولیه قرار گرفت. سپس با طراحی، به کمک پرسشنامه، عوامل فوق مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. هدف از پیش‌آزمون حذف گویه‌های نامتجانس بود. در این مرحله با اعتبار روایی و پایایی پرسشنامه در صدد نقش عوامل مذکور بر میزان واگرایی بوده‌ایم. پس از این مرحله و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS تمامی گویه‌هایی که «آلفای کرونباخ» آنها پایین‌تر از حد معمول بود، حذف گردید و در نهایت پانزده عامل (گویه) تأثیرگذار مورد شناسایی و در جهت ارزیابی نهایی مورد آزمون قرار گرفتند. جامعه‌ی آماری، شامل ۶۰ نفر به صورت ترکیبی از بین نخبگان نظامی و امنیتی، اساتید دانشگاه، مسئولین سیاسی و امنیتی، کارشناسان متخصص در زمینه‌ی خلیج فارس بوده‌اند، انتخاب کرده‌اند، به طوری که می‌توان این ترکیب را یک ترکیب سیاسی - نظامی و امنیتی و آکادمیکی نامید. روش انجام پرسشنامه، روش «لیکرت» و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفته است.

مبانی نظری تحقیق

از دیرباز و به‌طور سنتی، زمینه‌های سوءظن متقابل بین اعراب و ایران نسبت به همدیگر وجود داشته است. به‌طور کلی، تفکر ملی‌گرایی عرب بر این اساس استوار است که ایران

تمایل دارد حلقه‌ی امنیتی اعراب را در منطقه از بین ببرد. در حالی که تفکر ایرانی‌ها بر این نکته متمرکز است که اعراب منطقه می‌کوشند منافع ایران را در خلیج فارس انکار کنند. در نتیجه، تعریف هر کشور از امنیت به منزله‌ی تهدید دیگر کشورها تلقی می‌شود (علی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۹). با این توصیف، مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها بین ایرانیان و اعراب - به‌طور خاص کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس - همواره وجود دارد که به‌عنوان عوامل ناکارآمد در حوزه‌ی خلیج فارس به‌شمار می‌روند.

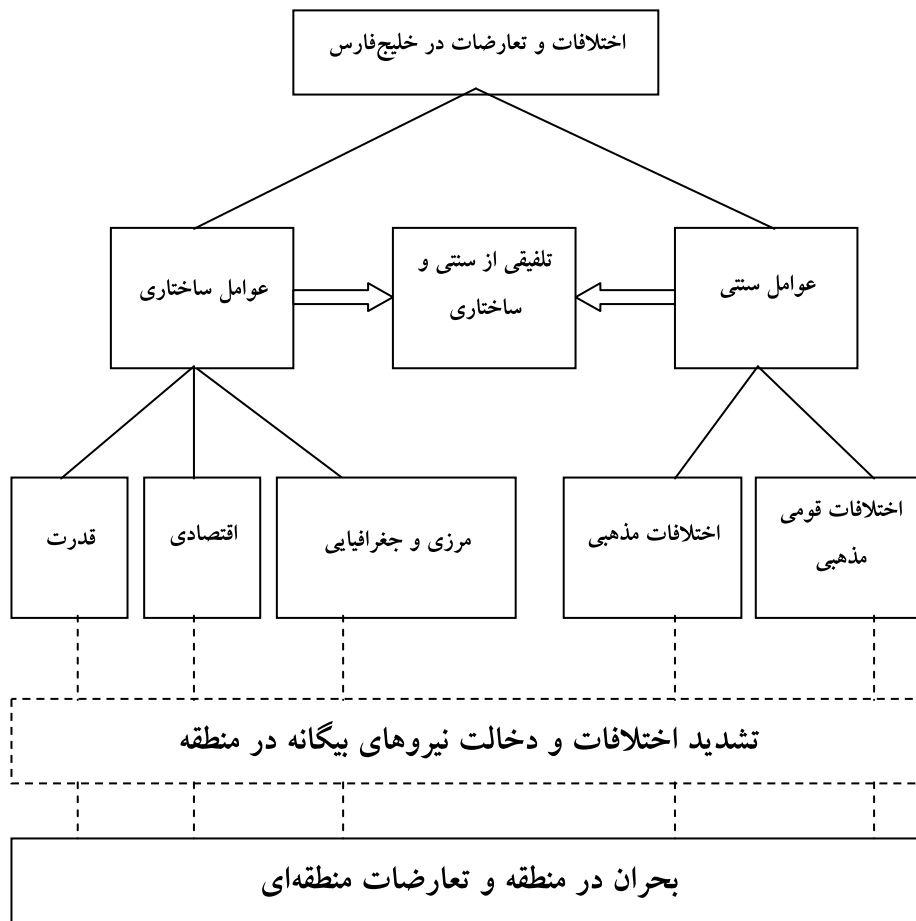
نظریه‌ی سیستم‌ها و عوامل ناکارآمدی در خلیج فارس

در بررسی سیستمی روابط بین‌الملل می‌توان آن‌را در سه سطح تقسیم‌بندی کرد: در سطح نخست، سیستم مسلط نظام بین‌الملل قرار دارد؛ در سطح دوم، سیستم منطقه‌ای است و سرانجام در سطح سوم، کشورها به‌عنوان سیستم‌های کوچک‌تر در درون آن جای گرفته‌اند و رابطه‌ی آنها به‌صورت سلسله‌مراتبی و از کل به جزء سازماندهی شده‌اند (عباسی اشلقی، ۱۳۸۴: ۲۵۸).

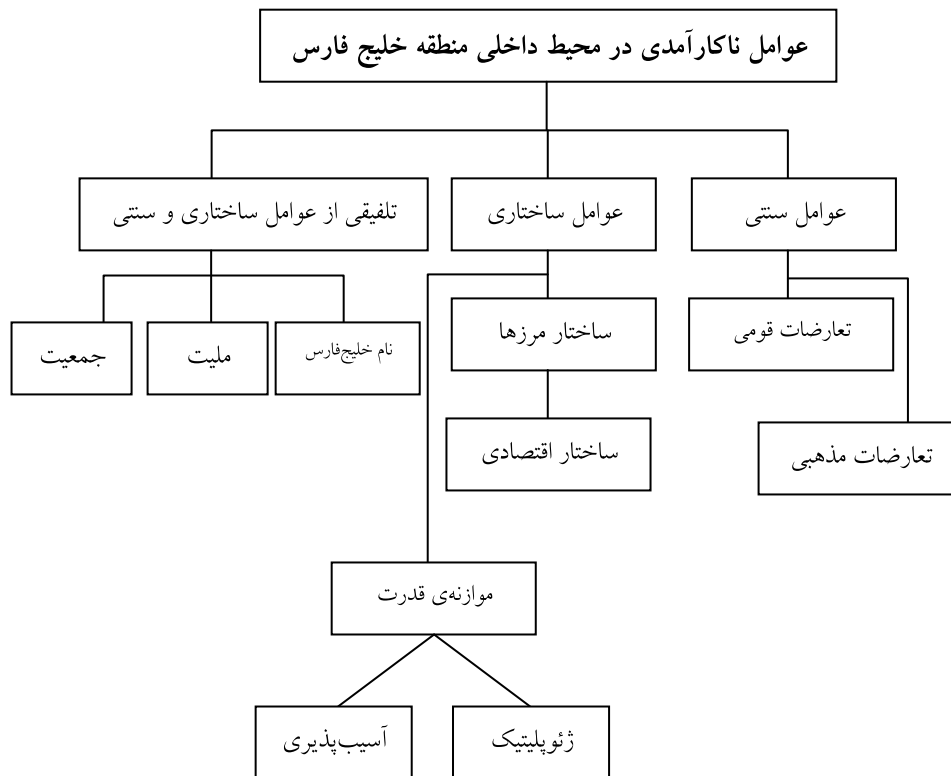
هر نظام دارای محیط‌های داخلی و خارجی است (روشندل، ۱۳۷۳: ۳۵). در محیط داخلی هر نظام خرده‌نظام‌هایی وجود دارند که می‌توانند آن را به‌عنوان یک خرده‌نظام کارکردی، بی‌کارکردی و یا ناکارآمد تبدیل کنند (الهی، ۱۳۸۶: ۴۳). خلیج فارس علاوه بر این که در سطح داخلی و منطقه‌ای با اجزای درونی‌اش ارتباط دارد، خود همچون یک منطقه‌ی خاص جغرافیایی و مهم‌تر از آن ساختاری، به‌عنوان یک خرده‌نظام^۱ با نظام بین‌الملل در تعامل است. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت که سیستم تابعه‌ی خلیج فارس به‌عنوان یکی از سیستم‌های موجود در روابط بین‌الملل و ارتباط شدید آن با سیستم بین‌المللی به‌عنوان یک کل از یک سو و ویژگی‌های ساختی آن در حوزه‌ی کنترلی از سوی دیگر، پیچیدگی خاصی به‌نظم منطقه‌ای آن بخشیده و ضمن وجود بی‌نظمی‌های درون‌منطقه‌ای در اغلب موارد، دخالت سیستم‌های برون‌منطقه‌ای را نیز در بر داشته است (صالحی و قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۵). با این

1- Sub – system.

توصیفات در هر محیط ممکن است عواملی به تعامل و تعارض مشغول شوند، این عوامل در خلیج فارس از نوع «ساختاری»، «سنتی» و یا از عوامل «تلفیقی» یعنی آمیخته‌ای از عوامل «سنتی و ساختاری» هستند (Richard, 1981: 145).



نمودار شماره ۱- اختلافات و تعارضات در حوزه خلیج فارس



نمودار شماره (۲) عوامل ناکارآمدی در محیط داخلی منطقه خلیج فارس

علاوه بر مواردی که در نمودارهای فوق ذکر گردیده‌اند، برخی دیگر، نقش عوامل زیر را در ایجاد واگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مهم شمرده‌اند؛ تفاوت در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران و سایر کشورهای منطقه (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۲۷)، اختلافات ارضی و مرزی (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)، اختلاف در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی (Sipri, 2008: 132). (military ballance, 2008: 132)، تمایز در ساختارهای فرهنگی (امامی، ۱۳۷۸: ۱۸۷)، تضادهای مذهبی و ایدئولوژیک (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۸۱)، سوءظن ظرفیتی، سیاست‌های تسلیحاتی (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۳۱)، (بشری ۱۳۸۰: ۴۵)، (امیراحمدی ۱۳۸۴: ۷۵)، (ذوالفقاری ۱۳۸۴: ۱۲)، تروریسم (عزیزی‌مهر، ۱۳۸۷: ۳۱)، تعارضات هویتی (محمد ادريس،

۲۰۰۵: ۸) و موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷: ۳۴). این پژوهش با رویکردی جدید و تلفیقی به جمع‌بندی تمامی نظریات موجود به سنجش میزان تأثیرپذیری عوامل گوناگون می‌پردازد.

یافته‌های تحقیق

برای به‌دست آوردن یافته‌های تحقیق، ابتدا تمامی پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS وارد شد. به‌طوری که با استفاده از نرم‌افزار مذکور مبادرت به طیف‌بندی میزان تأثیرگذاری متغیرها نموده‌ایم. شیوه‌ی طیف‌بندی در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱- روش به‌دست آوردن طیف‌ها

طیف (۱)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۲۴۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۳۰۰ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری خیلی بالا).
طیف (۲)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۱۸۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۲۳۹ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری بالا).
طیف (۳)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۱۲۰ امتیاز و بیشتر تا میزان ۱۷۹ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری متوسط).
طیف (۴)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۶۱ امتیاز و بیشتر تا میزان ۱۱۹ امتیاز بوده است در این طیف واقع می‌شوند (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری کم).
طیف (۵)	تمامی متغیرهایی که مجموع امتیازات آنها مساوی با ۶۰ امتیاز باشد در این طیف قرار می‌گیرند (طیف متغیرهای با قدرت تأثیرگذاری خیلی کم).

قابل ذکر است که نحوه‌ی تأثیرگذاری طیف‌ها، طوری است که هرچه از طیف شماره‌ی یک به سمت طیف‌های بالاتر حرکت کنیم، از میزان و شدت و تأثیرگذاری طیف‌ها کاسته می‌شود. به‌طوری که طیف ۱ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف دو و طیف دو از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف سه برخوردار است. به‌طوری که در نهایت ضعیف‌ترین تأثیرگذاری را در بین طیف‌های پنج‌گانه، مختص به طیف پنج خواهد بود.

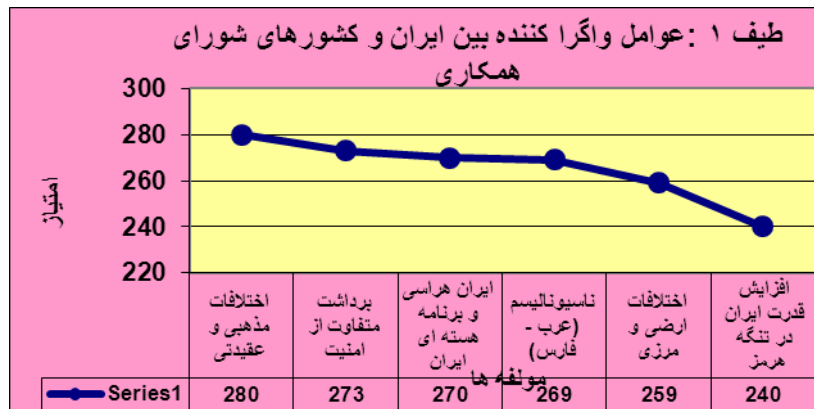
سنجش عوامل واگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

جدول شماره ۲- نتایج طیف‌بندی عوامل واگرایی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

طیف	گروه‌ها	امتیاز گویه
طیف (۱)	اختلافات مذهبی و عقیدتی	۲۸۰
	برداشت متفاوت از امنیت	۲۷۳
	ایران‌هراسی و برنامه‌ی هسته‌ای ایران	۲۷۰
	ناسیونالیسم (عرب - فارس)	۲۶۹
	اختلافات ارضی و مرزی	۲۵۹
	افزایش قدرت ایران در تنگه‌ی هرمز	۲۴۰
طیف ۲	حضور مستقیم آمریکا و پایگاه نظامی	۲۳۸
	اختلاف سیاست تسلیحاتی و رزمایش نظامی	۲۲۱
	رقابت بر سر رهبری منطقه	۲۱۷
	اختلاف نگاه به مسائل منطقه‌ای و جهان اسلام	۲۱۴
	سیاست‌های نفتی	۲۰۹
	هم‌سویی با غرب در مجامع جهانی علیه ایران	۲۰۰
طیف ۳	تحریف نام‌ها (مثل خلیج فارس)	۱۹۳
	رقابت‌های اقتصادی	۱۷۷
	جرایم سازمان‌یافته	۱۶۹
طیف (۴)	*****	
طیف (۵)	*****	

همان‌طور که در جدول طیف‌بندی مشخص شده است، از مجموع پانزده عامل تأثیرگذار نهایی در واگرایی بین ایران و این کشورها، در مجموع شش مؤلفه در طیف (۱)،

هفت مؤلفه در طیف (۲) و دو مؤلفه در طیف (۳) واقع شدند که نتایج در قالب نمودارهای زیر نشان داده شده است.



نمودار شماره ۳- عوامل واگراکننده بین ایران و کشورهای عضو شورا در طیف ۱

همان‌طور که در نمودار فوق نشان داده شده است، از میان عوامل واگراکننده بین ایران و این کشورها عمده‌ترین عامل تأثیرگذار از دید پاسخگویان عامل اختلافات مذهبی و عقیدتی است. نظام جمهوری اسلامی با ماهیت اسلام شیعی و این کشورها با ماهیت اسلام تسنن هستند. گرچه این دو ایدئولوژی خودبه‌خود در تضاد یکدیگر نیستند و همگی تحت لوای اسلام قرار دارند، اما قرائت‌های افراطی از این مسأله باعث تصادم این دو مذهب جهان اسلام در برابر یکدیگر شده است و این عامل را به‌عنوان قوی‌ترین عامل تأثیرگذار در واگرایی طرفین معرفی کرده است. نمود این وضعیت را می‌توان در رقابت‌های ایدئولوژیکی منطقه‌ای بین ایران و این کشورها (به‌طور عام) و عربستان سعودی (به‌طور خاص) مشاهده کرد. رشد جریانات سلفی‌گری و اسلام وهابی با پشتیبانی عربستان سعودی در منطقه منجر به رویارویی بین ایران و این کشور شده است. این تصادم امروزه نه تنها در منطقه‌ی خلیج فارس بلکه به خارج از آن نیز کشیده شده است. برخوردهای ایدئولوژیک و متضاد عربستان و ایران در فلسطین، لبنان و عراق نمودی از این مسأله است. عربستان سعودی با داشتن وحشت از شیعیان خود، همواره ایران را متهم به حمایت و جانبداری از حرکات آنها در

منطقه کرده و تمامی تحرکات ناشی از بیداری اسلامی را در منطقه به جمهوری اسلامی ایران نسبت می‌دهد. این کشور همواره بخشی از حرکات خود را متوجه داخل مرزهای ایران نموده است. در عرصه‌ی سیاست خارجی در کشورهای محل رقابت ایران و این کشور (عراق، سوریه، لبنان و فلسطین) سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای مقابله با نفوذ ایران انجام داده است. به‌طور مثال، تحولات اخیر لبنان نوعی رویارویی غیرمستقیم ایران و عربستان در لبنان را نشان می‌دهد. همچنین انتخابات سال گذشته عراق نماد یک رقابت راهبردی بین ایران و عربستان بود. این وضعیت با تحولات اخیر منطقه‌ای تشدید شده است. عربستان ایران را متهم به حمایت از گروه‌های شیعی منطقه به‌ویژه شیعیان بحرین کرده است. به‌همین خاطر، شیعیان بحرین را شورشیان تحت نفوذ ایران می‌داند. این رقابت به‌جز بحرین به سایر کشورهای مورد علاقه‌ی دو طرف کشیده شده است. بالعکس، عربستانی‌ها با نفوذ در سوریه سعی در تضعیف ایران دارند. همچنین شواهدی نشان می‌دهد در جنوب شرق و شمال غرب ایران و در داخل مرزهای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران (به‌خصوص در مناطق قوم‌نشین) عربستان در حال برنامه‌ریزی است. در واقع، عربستانی‌ها در صدد تغییر مرزهای مبارزه و گسترش آن در سطح مرزهای ایران هستند. نتیجه این کار را می‌توان در مناطق قوم‌نشین ایران دید. این وضعیت با شدت بیشتر در جنوب شرق و با وضعیت آرام‌تری در خوزستان و کردستان در حال پیگیری است.

بنابر آنچه گفته شد بعید به‌نظر نمی‌رسد در آینده‌ی نزدیک و با وجود تحولات اخیر، این تضادها (بین ایران و این کشورها) در زمینه‌ی مذهبی تقلیل یابد. البته باید ذکر کرد که در بین این کشورها همگی دارای تعصبات شدید مذهبی نیستند، بلکه شدت آن در کشورهای فوق متفاوت می‌باشد. به‌طور مثال قطر، امارات و عمان موضع معتدل‌تری نسبت به مسائل مذهبی دارند.

دومین عامل تأثیرگذار واگراکننده، مؤلفه‌ی برداشت متفاوت از نحوه‌ی تأمین امنیت منطقه‌ای (بومی‌محوری در مقابل غرب‌محوری) است. جمهوری اسلامی به چند دلیل مخالف حضور غرب و آمریکا در منطقه است، زیرا از یک طرف غرب به‌ویژه آمریکا دشمن جمهوری اسلامی است. از طرف دیگر، با نفوذ غرب در ساختار این کشورها زمینه‌ساز حرکات واگرایانه

بین این کشورها با ایران شده است. این کشورها که تحت نفوذ مستقیم آمریکا هستند، با این استدلال که خود به تنهایی قادر به تأمین امنیت نیستند، با امضای قراردادهای نظامی خواهان حضور آمریکا و غرب در خلیج فارس شده و معتقدند امنیت در خلیج فارس تنها با حضور کشورهای قدرتمند مثل آمریکا ایجاد خواهد شد. این وضعیت از یک طرف به علت ضعف نظامی این کشورها در برابر ایران و عراق و از طرف دیگر پشتیبانی در جهت حمایت از رژیم‌های محافظه‌کار در برابر حرکات مردمی است. نمود این وضعیت را می‌توان در حمایت‌های آمریکا در سرکوب مردم بحرین مشاهده کرد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران خواهان تأمین امنیت با حضور و مشارکت تمامی کشورهای منطقه است؛ این در حالی است که این کشورها همواره حضور غرب را ضروری می‌دانند. این مؤلفه همواره یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار و واگراکننده بین ایران و این کشورها بوده است.

سومین عامل، ایران‌هراسی و برنامه‌ی هسته‌ای ایران است. همان‌طور که بسیار واضح است وزن ژئوپلیتیکی ایران بسیار سنگین‌تر از کشورهای عضو شورای همکاری است. جمهوری اسلامی با جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر به‌تنهایی از مجموع کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس پرجمعیت‌تر است. به‌لحاظ قدرت نظامی، سیاسی و ... این عدم توازن همراه با برخی عوامل اختلاف‌برانگیز مانع از نزدیکی این دو قطب به یکدیگر شده است. یکی از عوامل مؤثر قدرت هسته‌ای ایران است. قدرت هسته‌ای ایران گرچه عاملی برای واگرایی صرف به حساب نمی‌آید، اما نفوذ آمریکا در این کشورها و القانات منفی نسبت به قدرت نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی، یکی از عوامل تأثیرگذار در مناسبات طرفین درآمده است. به‌طوری‌که در چندین مجمع سالیانه‌ی کشورهای عضو شورای همکاری نسبت به برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران موضع‌گیری شده و حتی پیشنهادهایی از جانب شورا به ایران ارائه گردید.

چهارمین عامل، اختلافات ملی‌گرایی عرب - فارس است. این مؤلفه که سابقه‌ی دیرینه‌ای داشته و همواره یکی از موارد مناقشه‌برانگیز در منطقه بوده است. البته عامل ناسیونالیسم در رژیم گذشته پررنگ‌تر از زمان حال بوده است. رژیم گذشته‌ی ایران که نقطه‌ی تمرکز خود را در ملی‌گرایی ایرانی گذاشته بود، همواره در تضاد فرهنگی با این کشورها بود.

پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیت مذهبی این وضعیت را تا حدودی دچار گسست کرد، به طوری که ماهیت مذهبی شیعی نظام شکاف بین ملی‌گرایی ایرانی و عربی را پر کرد و بعد از انقلاب شکاف مذهبی تشدید شد. البته این بدان معنی نیست که شکاف‌های ملی‌گرایانه از بین رفت، ولی تا حدودی تقلیل یافت.

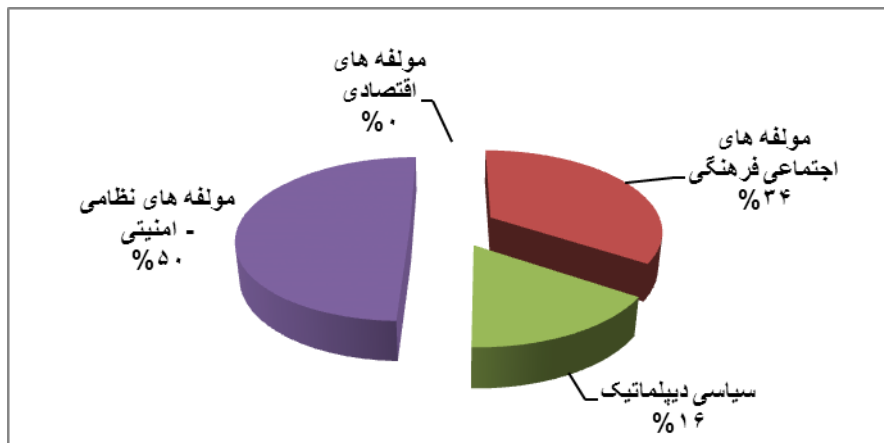
با تحولات بعدی و گذشت زمان امروزه این شکاف‌ها، شکاف مذهبی (شیعه و سنی) و شکاف ملی‌گرایی (ایرانی و عربی) بر هم منطبق گشته است.

پنجمین عامل، اختلافات ارضی و مرزی است. گرچه جمهوری اسلامی بخش عظیمی از اختلافات مرزی خود را با این کشورها حل و فصل کرده است، اما بخشی از مرزهای طرفین تاکنون محل مناقشه بوده است. این مسأله منجر به تحدید حدود نشدن بخشی از مرزهای آبی شده است که دارای منابع نفتی و گازی هستند. اما در مجموع این اختلافات مشکل چندانی را به وجود نیاورده است. تنها اختلاف بین ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی، تمامی اختلافات مرزی را تحت تأثیر قرار داده است. امارات تاکنون با طرح ادعاهای واهی خود در مجامع بین‌المللی نتوانسته است موفقیتی کسب نماید و حتی در سال‌های گذشته با حمایت کشورهای عضو شورا و اتحادیه‌ی عرب در صدد طرح آن در سازمان ملل بوده است، اما جمهوری اسلامی با طرح این مسأله که این یک مسأله داخلی ایران است، تاکنون نتوانسته است همراهی بین‌المللی را کسب نماید. امارات متحده نتوانسته است با متقاعد کردن کشورهای عضو شورای همکاری در اجلاس‌های سالیانه‌ی خود همواره یکی از بندهای قطعنامه‌ی سالیانه، موضوع جزایر سه‌گانه را بگنجانند. البته در آخرین مجمع سالیانه (۱۳۸۹) امارات با طرح این مسأله، موضوع را از بحث شورا خارج ساخت و ادعا نمود این مسأله توسط طرفین (ایران و امارات) در حال بررسی است. اگرچه بعید است که با تحولات اخیر از موضع شورای همکاری خارج شود. اما یک عامل نیرومند جهت گسست بین ایران و این کشورها است.

ششمین عامل مؤثر افزایش قدرت ایران در بستن تنگه‌ی هرمز است. کشورهای عربی که شریان حیاتی و اقتصادی خود را در منطقه و صادرات آن را به خارج می‌بینند، همواره از

قدرت ایران و برخورد احتمالی ایران و آمریکا نگران هستند. به همین دلیل، در سال‌های گذشته طرح‌هایی را در خارج ساختن تنگه‌ی هرمز از صادرات نفت مطرح کرده‌اند، اما به‌طور کلی قدرت نظامی ایران در تنگه‌ی هرمز و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران منجر به بدبینی طرف مقابل شده است. این وضعیت با موضع‌گیری مقامات نظامی ایران در سال‌های گذشته در بستن تنگه‌ی هرمز تشدید شده است.

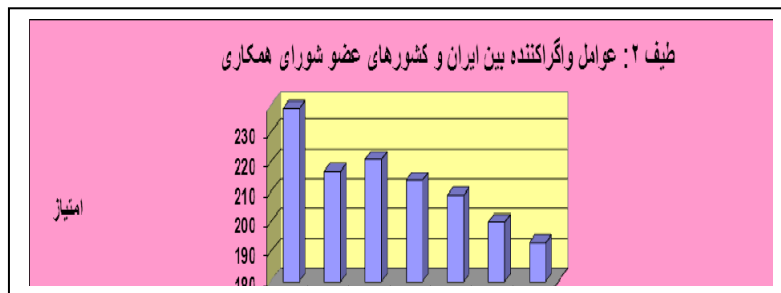
به‌طور کلی، وقتی تمامی عوامل فوق در طیف (۱) را به‌عنوان قوی‌ترین و تأثیرگذارترین طیف، بر اساس ماهیت مورد سنجش قرار دهیم، نتایج زیر به‌دست می‌آید.



نمودار شماره ۴- عوامل واگراکننده‌ی بین ایران و کشورهای عضو شورا بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه در طیف (۱)

همان‌طور که در نمودار نشان داده شده است، طیف (۱) به‌عنوان تأثیرگذارترین طیف با عوامل با قدرت تأثیرگذاری خیلی زیاد، مؤلفه‌های نظامی - امنیتی با ۵۰ درصد از مجموع عوامل واگراکننده در رتبه‌ی نخست قرار دارند. این نشان می‌دهد شدت واگرایی در این طیف بیشتر از هر مؤلفه‌ی دیگری در گروه مؤلفه‌های نظامی - امنیتی است. مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی با ۳۴ درصد قدرت تأثیرگذاری مؤلفه‌ی مهم دیگر در این طیف بوده‌اند، مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک با ۱۶ درصد در رتبه‌ی سوم و در نهایت مؤلفه‌های اقتصادی هیچ‌گونه

امتیازی را کسب نکرده‌اند. این نشان می‌دهد، عوامل اقتصادی در نقش واگرایانه قدرت بالایی ندارند و یا لاقط در طیف‌های با قدرت تأثیرگذاری شدید نیستند.



نمودار شماره ۵- عوامل واگراکننده بین ایران و کشورهای عضو شورا بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه در طیف (۲)

از میان عوامل واگراکننده بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری در مجموع از ۱۵ عامل به دست آمده در تحلیل نهایی ۷ عامل در طیف (۲) قرار دارند (طیف عوامل واگراکننده با قدرت واگرایی زیاد).

همان‌طور که در نمودار فوق دیده می‌شود، از میان عوامل واگراکننده بین ایران و این کشورها (در طیف ۲) عمده‌ترین عامل تأثیرگذار از دید پاسخگویان به شرح زیر است:

مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در این طیف، حضور مستقیم آمریکا در این کشورها و ایجاد تأسیس پایگاه نظامی در فضای سرزمینی این کشورها است. ایران همواره ناخرسندی خود را از این کشورها برای در اختیار گذاشتن پایگاه نظامی در داخل سرزمین خود به اطلاع آنها رسانده است. وجود پایگاه‌های متعدد در این کشورها و آن هم پایگاه‌های آمریکایی به‌عنوان نقطه‌ی اتکایی در جهت حمله‌ی احتمالی به خاک جمهوری اسلامی ایران از فضای جغرافیایی این کشورها از یک‌طرف و انجام عملیات اطلاعاتی توسط غرب از این پایگاه‌ها در جهت کنترل تحرکات جمهوری اسلامی ایران یک عامل واگراکننده و اختلاف برانگیز بین طرفین بوده است. گرچه مسئولین این کشورها بارها ادعا کرده‌اند که هیچ‌گاه به آمریکا در حمله‌ی احتمالی به ایران از فضای سرزمین‌شان اجازه نخواهند داد، اما ایران در مقابل بارها به این کشورها انتقاد داشته

است و حتی مسئولین نظامی ایران بارها اعلام کرده‌اند هرگونه حرکت آفندی و حمله‌ی احتمالی آمریکا از خاک این کشورها با پاسخ کوبنده‌ی ایران علیه آن کشورها روبه‌رو خواهد شد. این وضعیت رهبران محافظه‌کار عرب را با چالش اساسی روبه‌رو ساخته است. بنابراین، این مسأله به‌عنوان یک مسأله‌ی اختلاف‌آمیز بین ایران و این کشورها درآمده است.

دومین عامل تأثیرگذار در این طیف، رقابت بر سر رهبری منطقه است. به‌لحاظ وزن و قدرت ملی هیچ‌کدام از این کشورها در حد و اندازه‌ی قدرت ایران قرار ندارند (گرچه بیشتر آنها به‌واسطه‌ی فروش نفت و جمعیت اندک، از درآمد سرانه‌ی بیشتری نسبت به ایران دارند). بنابراین، کشورهای کوچک (بحرین، امارات، قطر، عمان، و کویت) همواره از ضعف ژئوپلیتیکی نسبت به سایر کشورها منطقه (ایران، عراق، عربستان) برخوردارند که البته ما در این پژوهش هیچ بحثی راجع به عراق وجود ندارد و به دو قدرت دیگر یعنی ایران و عربستان پرداخته شده است. این دو کشور در سیاست دو ستونی آمریکا در خلیج فارس (ایران ستون نظامی و عربستان ستون اقتصادی) مطرح بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از صف متحدان آمریکا این سیاست عملاً فرو ریخت. ایران و عربستان بعد از انقلاب همواره دو رقیب ژئوپلیتیکی در منطقه به‌حساب می‌آیند. عربستان همواره ادعای رهبری بر جهان اسلام (و یا در سطح خردتر کشورهای عضو شورای همکاری) داشته است. البته در سطح کشورهای عضو شورای همکاری موفقیت‌هایی کسب کرده است، اما در مقیاس وسیع‌تر توانایی انجام این مهم را ندارد. به‌خصوص با تحولات جدید منطقه و نزدیکی احتمالی ایران و مصر از یک طرف از قدرت ژئوپلیتیکی عربستان کاسته خواهد شد. مضافاً ممکن است، تحولات داخلی، به‌ویژه بیداری اسلامی این کشور را با وضعیت پیچیده‌ای روبه‌رو سازد. همچنین در سطح منطقه‌ی خلیج فارس کشور قطر امروزه با بسط ژئوپلیتیک خود به‌عنوان یک میانجی خود را وارد معادلات منطقه‌ای کرده و نقش عربستان سعودی را تضعیف ساخته است. قابل ذکر است سیاست‌های پدرمآبانه‌ی عربستان با واکنش منفی دیگر کشورهای عضو شورا روبرو بوده است. به‌غیر از بحرین که از حمایت وسیع و همه‌جانبه‌ی عربستان برخوردار است، اختلافات آشکار و پنهان بین عربستان و سایر کشورها

حوزه‌ی خلیج فارس عملاً قدرت عربستان را با چالش روبه‌رو ساخته است. با وجود ایران و عراق به‌عنوان دو قدرت برتر نظامی منطقه، از وزن ژئوپلیتیکی عربستان را کاسته شده است. سومین عامل اختلاف، سیاست‌های تسلیحاتی و رزمایش‌های نظامی طرفین است. کشورهای عضو شورا از لحاظ درآمد سرانه و همچنین خرید نظامی در رتبه‌های اول خرید سلاح در سطح بین‌الملل قرار دارند. سیاست‌های تسلیحاتی که با خریدهای عظیم و هنگفت منطقه را به انبار باروتی تبدیل کرده است. سیاست‌های خرید کلان همواره مورد اعتراض ایران بوده و آن را مطابق با تهدیدات در منطقه نمی‌بیند، و حتی بعضاً مشخص است که بسیاری از این تسلیحات برای مقابله با ایران خریداری شده است. بنابراین، ایران با حساسیت این مسأله را پی‌گیری کرده است.

بخش دیگر بحث در این زمینه، انجام رزمایش‌های نظامی طرفین است. رزمایش‌های نظامی به‌طور کلی دو نوع هستند. نوع اول، رزمایش‌های منطقه‌ای که توسط کشورهای منطقه انجام می‌گیرد. مثل رزمایش‌های نظامی کشورهای عضو شورا یا رزمایش‌های نظامی ایران. این شیوه و نوع رزمایش گرچه با حساسیت طرف مقابل به آن نگاه می‌شود، اما مسأله‌ی چندانی ایجاد نکرده‌اند. اما نوع دوم، رزمایش‌های نظامی این کشورها با کشورهای فرامنطقه‌ای همواره بخشی از دل‌نگرانی‌های ایران در منطقه بوده است، که با واکنش شدید ایران روبه‌رو شده است. در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران برای اثبات حسن نیت به طرف مقابل با دعوت از گروه‌های نظامی کشورهای عضو شورا برای نظارت بر سنجش رزمایش‌های نظامی و اعزام یک هیأت بلندپایه‌ی نظامی قطری در راستای سیاست‌های تنش‌زدایی با این کشورها بوده است.

چهارمین عامل اختلاف در نوع نگاه به مسائل منطقه و جهان است. رقابت‌های ایران و این کشورها منجر به اختلاف در نوع نگاه به مسائل منطقه‌ای و جهانی شده است. به‌طوری‌که کشورهای عضو شورا و به‌ویژه عربستان سعودی در مباحث منطقه‌ای همچون فلسطین آن‌را یک مسأله‌ی داخلی در جهان عرب می‌دانند، اما ایران مسأله‌ی فلسطین را مسأله‌ی جهان اسلام دانسته و حتی آن را در سطح بین‌الملل مطرح ساخته است. به‌طوری‌که تحلیلگران مسائل سیاسی یکی از عوامل اختلاف کشورهای غربی را با ایران، حمایت ایران از فلسطین قلمداد

می‌کنند. این طرز نگاه دوگانه به مسأله‌ی فلسطین منجر به اختلافات بین ایران و این کشورها از جریانات داخلی فلسطین شده است. به طوری که، جمهوری اسلامی از جناح و گروه‌های وابسته به «حماس» حمایت می‌کند و این کشورها به طور عام و عربستان به طور خاص از جریان تشکیلات خودگردان حمایت می‌کنند. این اختلاف دیدگاه در لبنان نیز مشهود است. حمایت ایران از «حزب‌الله»، عربستان به حمایت از گروه‌های مخالف حزب‌الله پرداخته است. همچنین این رقابت در صحنه‌ی عراق نیز وجود دارد. در حالی که، جمهوری اسلامی ایران جریانات شیعی و سایر گروه‌های معتدل در عراق را حمایت می‌کند، عربستان به حمایت از گروه‌های افراطی سنی و القاعده ادامه می‌دهد. بنابراین، نوع نگاه ایران و این کشورها به بسیاری از مسائل منطقه و جهان متفاوت است.

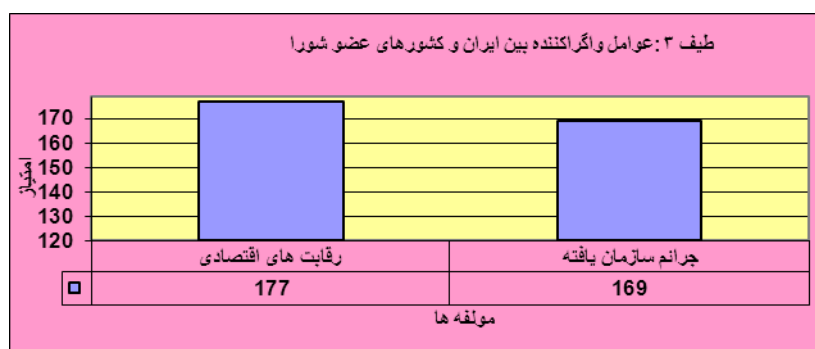
پنجمین عامل سیاست‌های نفتی، انرژی و یا نحوه‌ی استحصال از منابع نفتی و گازی است. این سیاست همواره یکی از چالش‌های طرفین بوده است. در مقطعی عربستان سعودی به همراه سایر کشورهای عضو شورا برای جبران کاهش تولید نفت در جنگ تحمیلی که منجر به فشار به ایران گردید، مبادرت به جبران کسری نفت تولیدی توسط ایران شدند. از مباحث دیگر تأثیرگذار در این زمینه، نحوه‌ی استحصال از منابع نفت و گازی مشترک است. ایران با چندین کشور حوزه‌های مشترک دارد که هنوز تکلیف برخی از آنها مشخص نشده است. بنابراین، یکی از عوامل تأثیرگذار در روابط بین ایران و این کشورها به حساب می‌آید.

از دید پاسخنگویان ششمین عامل، هم‌سویی این کشورها با غرب در مجامع بین‌المللی علیه ایران است. دولت‌های محافظه‌کار عرب گرچه به طور مستقیم و واضح در مجامع جهانی علیه ایران موضع‌گیری نکرده‌اند (آن‌هم به واسطه‌ی دیپلماسی و حضور در سازمان کنفرانس اسلامی)، اما ماهیت محافظه‌کارانه آنها منجر به حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از دشمنان ایران شده است و در مقطعی حتی عملیات روانی غرب را تشدید کرده‌اند. به طور مثال، در بحث هسته‌ای با تشدید عملیات روانی غرب علیه ایران شاهد جبهه‌گیری‌هایی از جانب مقامات این کشورها بوده‌ایم.

هفتمین عامل در این طیف از دید پاسخنگویان، تحریف نام‌ها و القاب تاریخی است. این عامل با ۱۹۳ امتیاز در مجموع هفتمین عامل تأثیرگذار در طیف (۲) بوده است. به عبارت دیگر،

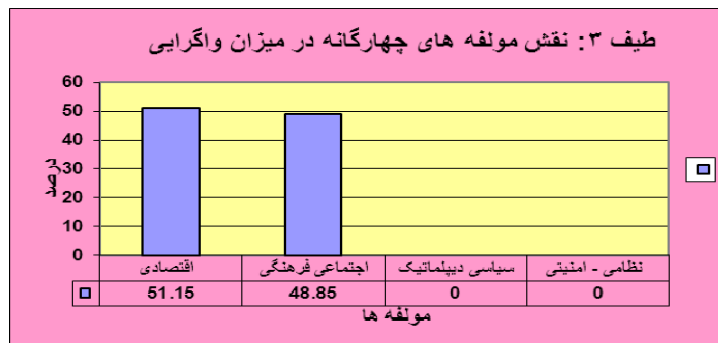
سیزدهمین عامل تأثیرگذار از میان ۱۵ عامل سنجیده شده در این پژوهش است. تحریف نام خلیج فارس و عنوان جعلی واژه‌ی خلیج عربی توسط این کشورها یک عامل تأثیرگذار در واگرایی طرفین بوده است. این وضعیت نه تنها با واکنش شدید ایران روبه‌رو گشته است، بلکه لایه‌های اجتماعی ایران را درگیر ساخته است. ایرانیان چه در داخل و چه در خارج علیه واژه‌ی جعلی خلیج فارس هم‌سوئی خود را نشان داده‌اند.

از بین عوامل واگراکننده در طیف (۲) مؤلفه‌های نظامی - امنیتی مثل طیف (۱) بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. سایر مؤلفه‌ها با نسبت تقریباً مساوی در رتبه‌های بعدی واقع شده‌اند.



نمودار شماره‌ی ۶- عوامل تأثیرگذار بر واگرایی در طیف ۳ (قدرت واگرایانه‌ی متوسط) همان‌طور که در نمودار فوق دیده می‌شود، از مجموع ۱۵ عامل مورد سنجش، ۲ عامل در طیف مذکور واقع شده‌اند و از میان عوامل مذکور، رقابت‌های اقتصادی با ۱۷۷ امتیاز در رده‌ی اول طیف قرار دارد. حاکم بودن فضای رقابت در زمینه‌ی مسائل نظامی و امنیتی مجالتی را برای توسعه‌ی اقتصادی در منطقه محدود کرده است. جمهوری اسلامی ایران با داشتن چندین بندر مهم و جزایر مناسب جهت توسعه‌ی مبادلات تجاری نتوانسته است زیرساخت‌های لازم را در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی با این کشورها مهیا سازد. به‌همین دلیل، برخی کشورهای منطقه مثل امارات متحده به‌عنوان یک منبع ترانزیت منطقه‌ای عمل می‌کند، البته در سال‌های آینده ممکن است با توسعه‌ی زیرساخت‌ها در جزایر ایران (به‌ویژه کیش و قشم) بتواند ترانزیت کالا را از جنوب به شمال تغییر دهد. این رقابت اقتصادی یکی از عوامل چالشی آینده به‌حساب می‌آیند که تاکنون نقش ضعیفی عمل نموده است.

دومین عامل در این طیف رشد جرائم سازمان یافته (قاچاق کالا، انسان، مواد مخدر ...) است. در بخش کالا، خروج بدون برنامه‌ی کالا از دبی و سایر بنادر کشورهای منطقه و گسیل آن به سمت مرزهای شمالی ایران به شکل قاچاق یکی از چالش‌های ایران و این کشورهاست. همچنین قاچاق انسان از ایران به این کشور (قاچاق زنان و نیروی کار) از عوامل مناقشه برانگیز دیگر در منطقه بوده است. قاچاق مواد مخدر و صدور آن از افغانستان از طریق مرزهای شرقی ایران به این کشورها عاملی در واگرایی بوده که در صورتی می‌توان از این نکات منفی به نحو مطلوبی در جهت همکاری و همگرایی منطقه‌ای استفاده نمود.



نمودار شماره‌ی ۷- نقش مؤلفه‌های واگرایانه بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری (طیف ۳)

طیف ۴: هیچ‌گونه عاملی در این طیف قرار نگرفت.

طیف ۵: هیچ‌گونه عاملی در این طیف قرار نگرفت.

جدول شماره‌ی ۳- نتایج نهایی مقایسه طیف‌های پنج‌گانه در ارتباط با واگرایی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری

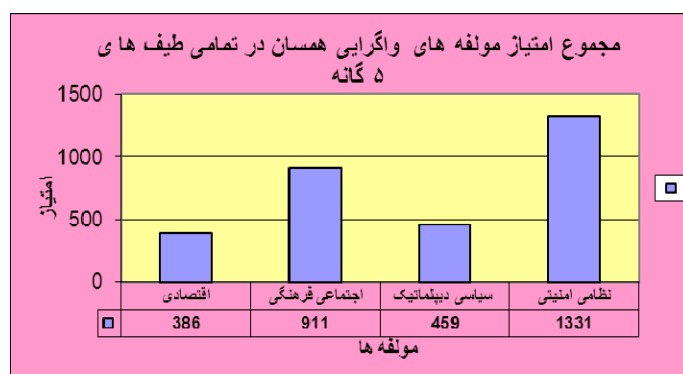
طیف‌ها	تعداد عوامل در طیف	درصد از کل عوامل	جمع امتیاز طیف	درصد مجموع امتیازات طیف به کل طیف‌ها
طیف (۱)	۶	۴۰	۱۵۹۱	۴۵/۵
طیف (۲)	۷	۴۶/۶۶	۱۴۹۲	۴۳/۵
طیف (۳)	۲	۱۳/۳۳	۳۶۲	۱۱
طیف (۴)	۰	۰	۰	۰
طیف (۵)	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۵	۱۰۰	۳۴۲۹	۱۰۰

در مجموع نتایج زیر به دست آمده است: به لحاظ تعداد مؤلفه‌ها، طیف (۲) در مجموع با داشتن هفت مؤلفه دارای بیشترین عوامل تأثیرگذار به لحاظ تعداد عوامل بوده است. طیف (۱) با شش مؤلفه در رتبه‌ی دوم طیف‌ها به لحاظ تعداد متغیرها بوده است. طیف (۳) در مجموع با دارا بودن دو عامل در رتبه سوم قرار دارد. طیف‌های ۴ و ۵ فاقد مؤلفه تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین، همان‌طور که نشان می‌دهد به لحاظ درصد تأثیرگذاری بر حسب طیف، طیف‌های (۱) و (۲) در مجموع ۸۶/۶۶ درصد از مجموع عوامل تأثیرگذار را به خود اختصاص داده‌اند. به لحاظ مجموع امتیازات و میزان تأثیرگذاری بر حسب امتیازات در مجموع از ۳۴۲۹ امتیاز کل، میزان ۱۵۹۱ امتیاز (یعنی ۴۵/۵ درصد) مربوط به طیف (۱)، ۱۴۹۲ امتیاز (یعنی ۴۳/۵ درصد) مربوط به طیف (۲)، و طیف (۳) با ۳۴۶ امتیاز یعنی (۱۱ درصد) از مجموع در رتبه‌ی سوم واقع شده است. نکته‌ی قابل ذکر این است که هرچه میزان تأثیرگذاری طیف‌ها در طیف‌های (۱) و (۲) بیشتر باشد به این معناست که عوامل واگرا شدید و خیلی شدید هستند که در این پژوهش به این نتیجه منتج شد، اما اگر مجموع درصد تأثیرگذاری طیف‌های (۴) و (۵) بیشتر باشد به این معنی است که عوامل واگرا از قدرت چندانی برخوردار نیستند. بنابراین، الگوی ایده‌آل، الگویی است که مجموع امتیازات طیف‌های پایین بیشتر باشد نه طیف‌های بالا (طیف ۱ بالاترین و طیف ۵ پایین‌ترین).

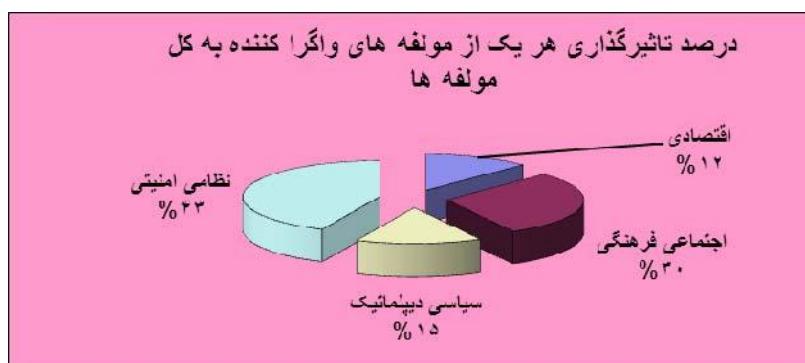
جدول شماره‌ی ۴- تقسیم‌بندی طیف‌ها بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه‌ی واگرایانه بین ایران و کشورهای عضو شورا

طیف‌ها	مؤلفه‌ها	مجموع امتیازات	درصد از کل طیف‌ها
طیف (۱)	مؤلفه‌های اقتصادی	۰	۰
	مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۵۴۹	۳۴.۵۰
	مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	۲۵۹	۱۶.۲۷
	مؤلفه‌های نظامی امنیتی	۷۸۳	۴۹.۲۲
	جمع مؤلفه‌های طیف	۱۵۹۱	۱۰۰

طیف‌ها	مؤلفه‌ها	مجموع امتیازات	درصد از کل طیف‌ها
طیف (۲)	مؤلفه‌های اقتصادی	۲۰۹	۱۴
	مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۱۹۳	۱۲.۹۳
	مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	۲۰۰	۱۳.۴۰
	مؤلفه‌های نظامی امنیتی	۸۹۰	۵۹.۶۵
	جمع مؤلفه‌های طیف	۱۴۹۲	۱۰۰
طیف (۳)	مؤلفه‌های اقتصادی	۱۷۷	۵۱.۱۵
	مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۱۶۹	۴۸.۸۵
	مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	۰	۰
	مؤلفه‌های نظامی امنیتی	۰	۰
	جمع مؤلفه‌های طیف	۳۴۵	۱۰۰
طیف (۴)	۰	۰	۰
طیف (۵)	۰	۰	۰
جمع	۱۵	۱۰۰	۱۰۰



نمودار شماره ۸- مجموع امتیاز مؤلفه‌ها (در حالت کلی) عوامل واگرا بین ایران و این کشورها



نمودار شماره ۹- درصد امتیاز مؤلفه‌ها (در حالت کلی) عوامل واگرا بین ایران و این کشورها

چنانچه با یک تحلیل عمیق به مسأله نگاه شود و مؤلفه‌ها را بر طبق عوامل و اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، سیاسی - دیپلماتیک و نظامی - امنیتی تقسیم‌بندی کنیم نتایج زیر به دست خواهد آمد. در مجموع به لحاظ وزن، بیشترین عوامل واگراکننده در تمامی طیف‌ها در مجموع مؤلفه‌های نظامی - امنیتی است. این مؤلفه‌ها به تنهایی ۴۳ درصد از عوامل واگرایانه را شامل می‌شد. بنابراین، مسئولین سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر این نکته واقف باشند که مسائل سیاسی و امنیتی عامل اصلی واگرایی‌های طرفین بوده است.

بعد از مؤلفه‌های نظامی امنیتی و با فاصله زیاد مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارند. این مؤلفه‌ها در مجموع ۲۹.۵۱ درصد از اختلافات فی‌مابین را شامل می‌شده‌اند. بنابراین، در قدم دوم توجه و برنامه‌ریزی برای این مؤلفه‌ها باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک در مجموع با ۱۴.۸۶ درصد در رتبه سوم قرار دارد. به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک از شدت چندانی بین ایران و این کشورها برخوردار نبوده و عمدتاً تحت تأثیر سایر مؤلفه‌ها قرار دارند.

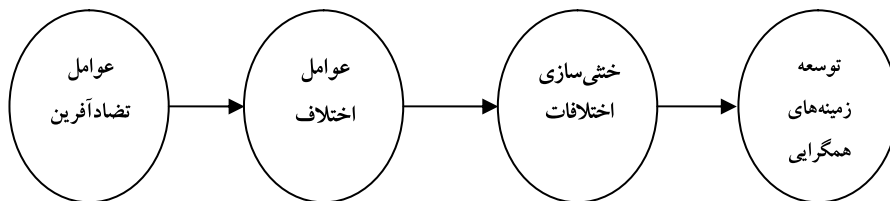
مؤلفه‌های اقتصادی در مجموع با ۱۲.۵ درصد در رتبه‌ی آخر از مؤلفه‌های واگراکننده قرار دارد. بنابراین، در مجموع به لحاظ واگرایی به ترتیب اولویت‌ها عبارتند از: مؤلفه‌های نظامی امنیتی، مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی، مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک و در نهایت مؤلفه‌های اقتصادی.

تجربه تحلیل و نتیجه‌گیری

در زمینه‌ی عوامل واگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس عوامل متعددی استخراج گردید که در این بین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در روابط طرفین اختلافات مذهبی و عقیدتی است. بنابراین، توجه به اسلام به‌عنوان محور مشترک تمامی مسلمانان می‌تواند مبنای خوبی برای حل تضادهای موجود باشد. به‌عبارت دیگر، تأکید بر آموزه‌های دینی و مشترک به‌جای آموزه‌های مذهبی مهم‌ترین راهبرد از جانب کشورهای منطقه (چه جمهوری اسلامی و چه این کشورها) باشد.

برداشت متفاوت از امنیت، برنامه‌های هسته‌ای ایران، اختلافات ملی‌گرایی، اختلافات مرزی و ارضی و همچنین افزایش قدرت ایران در دستیابی به کنترل تنگه‌ی هرمز از دیگر عوامل واگراکننده‌ی بین ایران و این کشورها بوده است. با شدت کمتری نسبت به این عوامل، شش عامل تأثیرگذار دیگر بر میزان واگرایی ایران و این کشورها کمک کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به‌حضور مستقیم آمریکا و احداث پایگاه نظامی در این کشورها، سیاست‌های تسلیحاتی، رقابت بر سر رهبری منطقه، اختلاف نگاه نسبت به مسائل منطقه‌ای و جهانی (به‌ویژه جهان اسلام، سیاست‌های نفتی، هم‌سویی با غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و در نهایت تحریف نام‌ها و القاب تاریخی مثل خلیج عربی به‌جای خلیج فارس) اشاره کرد.

چنان‌چه راهبرد مناسب در ارتباط با عوامل واگراکننده را بخواهیم ترسیم کنیم، ایده‌آل این بحث حالتی است که بتوان از طریق آن، عوامل واگرا را به همگرا تبدیل نمود، اما همان‌طور که در بخش‌های مختلف تحقیق بیان شد، این وضعیت در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست. بنابراین، راهبرد قدم به قدم مطرح می‌گردد. بدین معنی که اگر بتوان عوامل واگراکننده‌ای که در نقش تضادآفرین هستند به سطح اختلاف رساند و به همین ترتیب، اختلافات فی‌مابین را تخفیف داده و به حالت خنثی و یا حتی زمینه‌ای برای همگرایی برسانیم.



آنچه در این تحقیق به آن نائل آمدیم از بین عوامل واگراکننده، اختلافات عقیدتی و مذهبی نه تنها در سطح اختلاف بلکه به یک تعارض بین ایران و این کشورها تبدیل شده است. به همین دلیل، باید تلاش شود تا تعارضات ناشی از این مسأله کاهش یافته و حتی الامکان به سطح اختلاف رساند. همچنین می توان در قدم بعدی اختلافات را یک پله نزول داد که این مسأله مستلزم سازوکارهای مناسب می باشد. به عبارت دیگر، در درجه بندی طیف های مذکور (پنج گانه) بایستی عوامل مذکور را از طیف های پایین به طیف های بالاتر سوق دهیم.

قابل توجه است، به لحاظ مؤلفه های چهارگانه، عوامل واگرا بین ایران و این کشورها استحصال گردیده است و در نهایت مؤلفه های نظامی - امنیتی با بیشترین درصد تأثیرگذاری واگرا کننده ترین مؤلفه های بین ایران و این کشورها هستند. به همین دلیل، در مرحله اول سعی در ترمیم این اختلافات (نظامی - امنیتی) نموده و در مرحله بعد، توان تأثیرگذاری این مؤلفه ها را پایین آورد. بعد از این مؤلفه ها، مؤلفه های سیاسی دیپلماتیک از شدت بالایی برخوردارند (که بخش عظیمی از این واگرایی مربوط به عملکردهای اشتباه طرفین است). در بخش اقتصادی روابط دوطرفه را فعال و گسترش داده و تلاش های عدیده ای در جهت سوق دادن منطقه به منطقه ای اقتصادی با مشارکت تمامی کشورهای حوزه ی خلیج فارس انجام پذیرد. زیرا هرچه منطقه ماهیت اقتصادی پیدا کند از ماهیت نظامی و امنیتی منطقه کاسته می شود. علاوه بر این، سرمایه گذاری های مشترک اقتصادی در منطقه با مشارکت یکدیگر یک سلسله ی زنجیره وار منافع اقتصادی را در منطقه به وجود خواهد آورد. در حوزه ی سیاسی - دیپلماتیک تلاش شود ارتباط نزدیک تری بین سران کشورها انجام پذیرد. اما آنچه واضح است این کشورها به دلیل ضعف ساختارهای داخلی و عدم توانایی در حل و فصل این مشکلات

ایران را متهم به دخالت در امور داخلی خود می‌دانند، اما به نظر می‌رسد که در بلندمدت نیازمند حل و فصل موضوعات خود از طریق ایران خواهند بود.

در مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی، عوامل واگرایی از شدت بالایی برخوردارند. بنابراین، تلاش در جهت انجام امورات فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه مربوط بافت اجتماعی این کشورها در اولویت برنامه‌ریزی‌های ایران قرار گیرد. این مسأله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که تحولات بیداری اسلامی با محوریت مردم می‌تواند معادلات منطقه‌ای را رقم بزند.

در مجموع بنابر آنچه که گفته شد، ریشه‌ی عوامل واگرایی بین ایران و این کشورها به ترتیب عبارت بودند از مؤلفه‌های نظامی و امنیتی و سپس اجتماعی فرهنگی. در مؤلفه‌های نظامی و امنیتی نقش عوامل مختلفی از جمله، ضعف نظامی این کشورها و نفوذ آمریکا در ساختار آنها قابل بحث و بررسی است. اما در زمینه‌ی اختلافات اجتماعی و فرهنگی بخشی از اختلافات ریشه‌ای و تاریخی نتیجه ده‌ها و صدها سال اختلاف بین ایران و مجموعه‌ی اعراب بوده است که این مسأله در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست، اما می‌توان تأثیرها آنها را تخفیف و کاهش داد. بنابراین، مفروض پژوهش از آن جهت که عوامل و مؤلفه‌های گوناگون زمینه را برای واگرایی طرفین به وجود آورده‌اند قابل اثبات است.

پیشنهادها

پیشنهادهای راهبردی در جهت مقابله با عوامل واگرا در حوزه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس به گونه‌ای که تأمین‌کننده‌ی منافع منطقه‌ای باشد عبارتند از:

(۱) اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی

- تلاش در جهت کاهش اختلافات مذهبی و عقیدتی با سازوکارهای گوناگون و تأکید بر اصل مشترک اسلام در توسعه‌ی روابط به‌جای اختلافات مذهبی.
- استفاده از ظرفیت مراکز اسلامی و نزدیک ساختن نظریات علمای مذهبی طرفین با محوریت قرار دادن انسجام اسلامی در منطقه.
- ایجاد همایش‌های متعدد دینی به‌منظور تقریب مذاهب اسلامی.

- استفاده از ظرفیت‌های علمای مذهبی اهل سنت ایران در این کشورها و همچنین علمای مذهبی تشیع ساکن در این کشورها.

- همکاری در جهت کاهش افراطی‌گرایی‌های مذهبی از جمله، توسعه‌ی تبلیغات رسانه‌ای بین ایران و این کشورها.

۲) برداشت از نحوه‌ی تأمین امنیت

برداشت یکسان از تأمین امنیت میسر نخواهد شد مگر این‌که اولاً احساس تضمین امنیت از جانب کشورهای ضعیف منطقه نسبت به کشورهای قدرتمند (همچون ایران و عراق) به‌وجود آید. عمده‌ترین تلاش‌ها در این زمینه معطوف به سیاست‌های تنش‌زدایی و جلوگیری از گسترش پدیده‌ی ایران‌هراسی در منطقه، به‌ویژه برنامه‌ی هسته‌ای ایران است. بدین‌منظور، جمهوری اسلامی ایران اولاً همانند گذشته سیاست شفافیت برنامه‌ی هسته‌ای خود را برای این کشورها ادامه داده و، ثانیاً می‌تواند یک برنامه‌ی مشترک هسته‌ای با محوریت تمامی کشورهای منطقه (حتی عراق) را کلید بزند.

۳) جلوگیری از گسترش ملی‌گرایی افراطی (عرب - فارس)

مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در کاهش و تخفیف این پدیده، تأکید بر عوامل وحدت‌آفرین مثل دین است. اتخاذ راهبرد مناسب برای توسعه و گسترش ارتباطات بین ایران و این کشورها و همچنین نمایان ساختن این مسأله که اعراب و ایرانیان از قدیم‌الایام در مجاورت و همسایگی همدیگر بوده‌اند و تأکید به این‌که مبادلات فرهنگی و اجتماعی و تجاری‌های دور، انجام شده است، می‌تواند زمینه را برای کاهش واگرایی فراهم آورد.

۴) اختلافات مرزی و ارضی

- تلاش در جهت از بین بردن اختلافات ارضی و مرزی در منطقه با سازوکارهای گوناگون.
- تلاش در جهت حل مسأله‌ی منابع نفتی و گازی مشترک.
- ایجاد یک سازمان مشترک منطقه‌ای در جهت حل و فصل اختلافات و دعاوی طرفین.

۵) دادن تضمین امنیتی توسط ایران به این کشورها در تنگه‌ی هرمز و تضمین عبور و مرور و همکاری‌های مشترک دریایی (تا زمانی که منافع ایران توسط قدرت‌های سلطه‌جو از خاک این کشورها تهدید نگردد).

۶) تلاش در جهت ایجاد تفهیم به این کشورها در برای برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک این کشورها. این امر میسر نخواهد شد مگر آن‌که این کشورها احساس امنیت کامل داشته باشند. بنابراین، ایران تلاش نماید که با مشارکت جمعی این کشورها امنیت منطقه‌ای را تضمین نماید.

۷) شفافیت در زمینه‌ی خرید تسلیحات؛ پیشنهاد می‌شود که با مشارکت تمامی کشورهای منطقه بخشی از خریدهای تسلیحاتی رقابت‌آمیز در قالب پروژه‌های مشترک در این بخش سرمایه‌گذاری شده تا هم از رقابت‌های تسلیحاتی که فشار زیادی بر اقتصاد این کشورها به‌وجود می‌آورد کاسته شود و هم ایجاد پروژه‌های مشترک اعتمادسازی را در منطقه افزایش دهد.

۸) اطلاع دادن به کشورها از رزمایش‌های نظامی به‌ویژه رزمایش‌های دریایی و دعوت از طرفین برای مشارکت در این رزمایش‌ها.

۹) تلاش برای زدودن تفکر به‌وجود آمده در این کشورها در زمینه‌ی رهبری ایران در منطقه با سازوکارها و مکانیسم‌های گوناگون.

۱۰) همکاری‌های مشترک در زمینه‌ی نزدیک ساختن دیدگاه‌ها در مورد مسائل مختلف منطقه‌ای و جهان اسلام (مثل فلسطین، لبنان، عراق) از طریق:

- تبادل هیأت‌های کارشناسی در سطوح مختلف سیاسی دیپلماتیک و نظامی امنیتی؛
- گسترش سمینارها، همایش‌ها و کنفرانس‌های متعدد در سطوح مختلف با محوریت قرار دادن دغدغه‌های مشترک.

۱۱) نزدیک ساختن دیدگاه‌ها در زمینه‌ی اشتراک در سیاست‌های نفتی.

۱۲) ایجاد قراردادهای دو یا چندجانبه با این کشورها در زمینه‌ی عدم همراهی و هم‌سوئی با غرب علیه جمهوری اسلامی ایران.

۱۳) ایجاد کارگروه‌های مشترک بین ایران و این کشورها در زمینه‌ی تحریف برخی از نام‌های تاریخی و رسیدن به یک اجماع از طریق:

- اعزام گروه‌های کارشناسی از ایران با استنادات مربوطه به این کشورها؛
- ایجاد همایش‌های مشترک برای حل مسأله.
- گسترش ارتباطات ایران در سازمان ملل برای حفاظت از اصالت نام‌های تاریخی و جغرافیایی مثل خلیج فارس.

منابع

فارسی

- ۱- ابراهیمی فر، طاهره؛ (۱۳۸۵)، «چارچوب امنیتی کشورهای منطقه خلیج فارس»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسایل خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۷۷)، «اقدامات اعتمادساز در منطقه خلیج فارس»، مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران.
- ۳- ادريس، محمد سعيد، (۱۳۸۰)، «پیامدهای رخداد ۱۱ سپتامبر به شورای همکاری»، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، اسفندماه ۸۰، وزارت خارجه.
- ۴- اسدی، بیژن، (۱۳۸۸)، «خلیج فارس و مسائل آن»، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
- ۵- امامی، محمد علی، (۱۳۸۷)، «ساختارهای سیاسی و نخبگان در امیرنشین‌های خلیج فارس»، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران.
- ۶- امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی منطقه‌ای ایران»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی. سال هفتم، شماره ۱۲.
- ۷- بشری، اسماعیل، (۱۳۸۰)، «تأثیر خریدهای تسلیحاتی بر امنیت خلیج فارس»، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران.
- ۸- تاجیک، نصرت‌اله، (۱۳۷۵)، «عوامل مخرب در همگرایی منطقه‌ای»، مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران.
- ۹- روشندل، جلیل، (۱۳۷۳)، «طرحی نوین برای همکاری در خلیج فارس»، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران.
- ۱۰- ذوالفقاری، مهدی، (۱۳۸۴)، «ژئوپلیتیک خلیج فارس»، ایران و آمریکا. خبرگزاری فارس ۱۳۸۴/۴/۱۲.
- ۱۱- سریع القلم، محمود، (۱۳۷۳)، «شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری»، مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران.

- ۱۲- عباسی اشلقی، مجید، (۱۳۸۴)، «نظم هژمونیک منطقه‌ای و امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی. سال دوازدهم. شماره چهل و دو. بهار ۸۴.
- ۱۳- عبدالله جوهر، حسن، (۱۳۷۸)، «منطقه خلیج فارس میان فشارهای اقتصادی جهانی شدن و چالش‌های هم‌سویی منطقه‌ای»، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه. تهران.
- ۱۴- عزیزی مهر، فردین، (۱۳۸۷)، «جایگاه امنیتی خلیج فارس در روابط فرآتلانتیکی: مبارزه با تروریسم پس از حوادث ۱۱ سپتامبر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- ۱۵- علی پور، عباس، بختیار پور، علی و درخور، محمد، (۱۳۹۰)، «ضرورت‌های بسط ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه عربی با تاکید بر تحولات اخیر». فصلنامه آفاق امنیت شماره نهم.
- ۱۶- قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۲)، «تأثیر ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل بر پدیده نظم در سیستم خلیج فارس»، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی-اقتصادی، فروردین و اردیبهشت.
- ۱۷- قاسمی، فرهاد و صالحی، سید جواد، (۱۳۸۶)، «نگرشی تنوریک بر خلیج فارس و مسائل آن»، انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۱۸- کریمی پور، یدالله، (۱۳۸۰)، «ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)»، چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- ۱۹- میجته‌زاده، پیروز، (۱۳۸۰)، «کشورها و مرزها در خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی.
- ۲۰- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۷)، «شورای همکاری خلیج فارس». معاونت سیاسی.
- ۲۱- همایون الهی، (۱۳۸۶)، «خلیج فارس و مسائل آن». تهران: نشر قومس.

انگلیسی

- 22- Richard Merritt and Bruce Russett, (1981), "*from national Development to global community*", essays in honor of kavel deut sch. London.
- 23- Anthony Coresman, (1998), "*The Changing Military Balance in the [Persian] Gulf*", Middle East Policy, Volume VI, June.
- 24- SIPRI (2009), www.sipri.com.